

مجاورات سیاسی سلطان مسعود غزنوی با درباریان در تاریخ مصور بیهقی

چکیده

تاریخ بیهقی اثر ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، مقارن با دوره غزنوی نگاشته شده است. مؤلف در دربار غزنوی حضور داشته و همین نکته باعث شده تا این اثر دارای ارزش تاریخی زیادی باشد. برای بازشناسی تحولات سیاسی و اجتماعی این دوره از محتوای این کتاب، توجه به مجاورت سیاسی می‌تواند راهگشا باشد. این گفت و شنودها در دست‌یابی به اهداف استبدادی و قدرت سیاسی و اجتماعی در ایران و سایر بلاد اسلامی نقش داشته است. روش این پژوهش، از نوع تحلیلی-توصیفی و روش گردآوری موضوعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که امیرمسعود با تکیه بر مجاورت سیاسی خود در اعمال قدرت به دنبال تفوق افکار خویش بر دیگر باورها و دیدگاه‌های سیاسی رجال دربار بوده است. او این فضا را مسیری برای رشد و تثبیت حاکمیت سیاسی و اجتماعی چه در عرصه سیاست داخلی و خارجی ضروری می‌دانست. او با بهره‌مندی از مهارت‌های رفتاری و گفتاری در فضای سیاسی و اجتماعی از قبیل: حالات و حرکات چهره، اشارات و حالات سر و تن و سایر رفتارها چه از طرف خود و دیگر مشاوران دربارش، هدفی جامع، و باوری عمیق در تحکیم اهداف خود داشت. با نگاهی عمیق به جریانات سیاسی دوران اقتدار او به بینش‌ها و درون‌مایه‌های فکری از قبیل: استبداد، ایجاد فضای رعب و تهدید، مجازات، سرکوب مخالفان فکری و سیاسی و جاسوسی می‌توان پی برد. موقعیت‌های مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی رجال درباری با در نظر گرفتن خلیات و اعتقادات آنان، بخش مهم در مجاورت سیاسی سلطان مسعود غزنوی با درباریان در تاریخ مصور بیهقی است.

اهداف پژوهش

۱. واکاوی مضامین و اهداف مجاورت سیاسی سلطان مسعود غزنوی در تاریخ بیهقی.

۲. بررسی مجاورت سلطان مسعود با درباریان در تاریخ مصور بیهقی

سوالات پژوهش

۱. مجاورت سیاسی مسعود غزنوی با درباریان با توجه به مندرجات تاریخ بیهقی در بردارنده چه مضامین و اهدافی است؟

۲. مجاورت سیاسی سلطان مسعود غزنوی در تاریخ مصور بیهقی چه بازتابی یافته است؟

کلیدواژه: تاریخ بیهقی، مجاورت سیاسی، سلطان مسعود غزنوی، رجال درباری.

۱. مقدمه

وقایع و حوادث مندرج در تاریخ بیهقی برای هر خواننده‌ای شگفت آور است زیرا توصیف‌های بیهقی از شخصیت و منش سلطان مسعود اعم از شجاعت، سخاوت، تدبیر و سیاست او بسیار دقیق است. می‌توان از سبک و مضامین محاورات سیاسی امیر مسعود غزنوی با رجال درباری در کتاب تاریخ بیهقی به بخشی از اهداف و سیاست‌های او پی برد. اریخ بیهقی با توصیفات دقیق به تصویرسازی رویدادهای دربار غزنوی پرداخته است. ضرورت پرداختن به این موضوع از آن جهت مطرح است که محاورات سیاسی درباری به عنوان نمودی از کنش‌های رفتاری می‌تواند نقش مهمی در بازشناسی تاریخ در این مقطع زمانی داشته باشد. امیرمسعود غزنوی ماهیت حکومت خود را بر بهره‌گیری از نیرنگ‌ها و تزویرها قرار داده بود. او در روابط سیاسی خود با دیگر رجال درباری، سیاست استبدادی با تکیه بر ایجاد یک امپراتوری مذهبی که بطن آن لایه‌های عظیمی از فساد، ظلم، جبرگرایی و... دیده می‌شد ایجاد نمود. بررسی و تحلیل این موضوع ما را با شیوه‌های حاکم بر رفتارها و روابط مسعود با امیران، وزیران و حتی دبیران در تاریخ بیهقی آشنا می‌سازد به ویژه این‌که، زبان مورخ تاریخ بیهقی در حدّ اعلاّی فصاحت و بلاغت است و تبیین و تحلیل این گفت‌و شنودها از این منظر، بر ضرورت پژوهش می‌افزاید. پژوهش‌های فراوانی که در باب موضوعات مختلف تاریخ بیهقی انجام گرفته علی‌رغم وسعت، هنوز نتوانسته است بسیاری از جوانب و خبایای وضعیت دربار غزنویان بویژه دوران امیرمسعود را آشکار سازد. درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این موضوع به رشته تحریر در نیامده است. با این حال، پژوهش‌های متعددی در حوزه شناخت تاریخ بیهقی و مضامین آن انجام شده است. حیدری در مقاله خود با عنوان: «نگاهی جامعه‌شناختی به تاریخ بیهقی» اشاره دارد به اینکه، حکومت محمود و مسعود با تکیه بر اقتدار سنتی و فرمند و نیروی نظامی به جنگ‌هایی می‌پرداخت که از آن غنائم و ثروت بسیاری به دست می‌آمد و آن غنائم به عنوان قدرت اقتصادی حکومت غزنویان در جهت حفظ حکومت استفاده می‌شد (حیدری، ۱۳۹۲: ۳۷). این پژوهش با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌های و تحلیل مضامین محاورات موجود در تاریخ مصور بیهقی به دنبال واکاوی سیاست‌های سلطان مسعود غزنوی است. با توجه به نقش و جایگاه ممتاز گفت‌و شنودهای امیر مسعود با رجال دربار غزنوی در رشد و شکوفایی یا ضعف و سقوط نظام حاکم و با توجه به اینکه تا حال در این خصوص، پژوهش مفصلی انجام نگرفته، بررسی سبک فکری و محتوای محاورات سیاسی امیرمسعود با رجال درباری در تاریخ بیهقی می‌تواند جنبه‌های ارزنده و شایسته‌ای را در ارتباطات و تعاملات کلامی و غیر کلامی این مقاولات آشکار سازد. در این تحقیق با تأمل در درون‌مایه‌های گفتار امیر مسعود و بیان نوع ارتباطات انسانی او با رجال درباری، نگارنده بر آن است به نکاتی دست

یابد که بتواند به صورت منطقی و کاربردی سبب تأمل خواننده در اندیشه‌ها و گفتارهای تأثیرگذاران اجتماعی همچون امیر مسعود گردد.

نتیجه‌گیری

امیر مسعود، در گفت و شنودها و ارتباطات سیاسی که با رجال درباری داشت، بدون تردید، در پی رسیدن به انگیزه‌ها و اهدافی بود که تضمین‌کننده‌ی حکومت و تسلط فکری و فرهنگی بر اندیشه‌های رجال درباری و جامعه ایرانی بود. یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین آن عوامل، بروز و ظهور اندیشه‌های دینی در رجال درباری بود. این اندیشه بیشتر از طرف حاکمان غزنوی در رأس آن مسعود جریان داشت. اندیشه‌هایی که در راستای انگیزه‌ها، افکار و اصول سیاسی پادشاه قرار داشت؛ پادشاهان غزنوی خصوصاً مسعود به خوبی می‌دانستند که رمز اعتلای حقوق سیاسی و حاکمیت فکری و تثبیت قدرت بر مردم براساس ایدئولوژی می‌باشد. در این نوع از حکومت، دین و سیاست آمیخته با نیرنگ، تدبیر و پنهان‌کاری بدون آن که عین یکدیگر باشند، لازم و ملزوم یکدیگر بودند و حکومت نیز همین تفکر را به آحاد جامعه اشاعه می‌داد. آن‌ها مخالفان سیاسی حکومت را به عنوان مرتدان مذهبی و دشمنان اسلام و خلیفه بغداد معرفی می‌کردند و سرکوب آنان را سرکوب دشمنان خدا و اسلام محسوب می‌کردند. حق سیطره سیاسی، دینی و مذهبی خلیفه بغداد را، پایه و اساسی برای تثبیت حقوق انسانی و اسلامی خود بر جامعه ایرانی می‌دیدند. حمایت سیاسی و دینی خلیفه بغداد از حکومت غزنویان به ویژه مسعود در صحنه سیاست کشورهای هم‌جوار، اوج اعتلای قدرت غزنویان را معرفی می‌کرد و به آن، نوعی مشروعیت دینی، سیاسی و فرهنگی می‌بخشید و آن را برای افکار عمومی جامعه ایرانی و دیگر کشورها تبیین می‌کرد. حاکمان غزنوی نیز خود را وامدار این رویکرد سیاسی و دینی خلیفه می‌دیدند و درصدد آن بودند، تا با سوءاستفاده از احساسات و باورهای دینی و مذهبی مردم از این ایدئولوژی در برابر مخالفان حکومت و همچنین برای تحقق سیاست‌های متعصبانه و مستبدانه خود استفاده کنند در هیچ یک از ارتباطات و تعاملات فکری، فرهنگی و اجتماعی نشانی از هم‌اندیشی و هم‌نظری از طرف سایر ارکان نظام وجود نداشت یا در حد معقول نبود، مشاوره‌ها بیشتر در حد همان جلسات به اصطلاح متعارف و معمول که بیشتر برای تأیید سخن سلطان بود، برگزار می‌شد. سلطه‌طلبی در این نوع حکومت‌ها حتی در میان خود درباریان سلطان مسعود نیز نمود و ظهور ویژه‌ای داشت؛ به این صورت که همواره دربار، محل اختلاف و کشمکش بود و شاهزاده‌ها درصدد رسیدن به سلطنت بودند؛ چرا که همواره حرکت متغلبانه حکومتی در میان اهل دربار، یک حرکت بر حق و بجا شمرده می‌شد و این موضوع به نوعی در دربار غزنوی به یک سنت بدل شده بود. در محاورات سیاسی سلطان مسعود با رجال درباری تدابیر و اندیشه‌هایی بروز و ظهور پیدا می‌کند که از آن جمله می‌توان به استبداد و خودرأیی مسعود، فرستادن پیک، ترس و تهدید در حکومت مسعود، پنهان‌کاری و خلوت کردن، خطبه کردن، دیوان اشراف و ازدواج‌های سیاسی اشاره نمود. در بسیاری از گفت و شنودهای سیاسی مسعود با رجال درباری هم در پوسته ظاهری و هم در فحوای کلام و عمق تفکر رجال می‌توان به

برخی از ویژگی‌های شخصیتی او پی برد؛ چنان‌که لحن او (مسعود) اغلب درشت و محکم، آمرانه و از جایگاه سلطانی است که به زبردستان به چشم فرمانبردارانی مطلق می‌نگرد. سبک گفت و شنودهای سیاسی مسعود دو محور ارتباطی انسانی در نحوه تعامل با رجال سیاسی بدست می‌آید که بر روی یکی از آنان محور ارتباطات افقی قرار دارد که همان میزان جرأت و جسارت همکاری و هماهنگی فرد در تعاملات گروهی و انسانی است و از زیاد به کم افزایش می‌یابد. ودیگری محور ارتباطات عمودی است که میزان جرأت و جسارت فرد در تعاملات گروهی و انسانی از کم به سوی زیاد در افزایش است.

منابع

- آرژیل، مایکل (۱۳۷۸)، روان‌شناسی ارتباطات و حرکات بدن، به اهتمام مرجان فرجی، چ ۴، تهران: مهتاب.
- اعرابی، سید محمد (۱۳۹۳)، مدیریت ارتباطات، چ ۸، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اویسی، بهزاد (۱۳۹۲)، «تحلیل نظام حکومتی محمود و مسعود غزنوی در آثار ادبی تاریخی براساس نظریه لیکرت»، پژوهش‌های تاریخی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۳، شماره ۱۲۴، صص ۱۲۳-۱۰۵.
- انوشه، حسن (۱۳۹۵)، تاریخ غزنویان، چ ۷، تهران: امیر کبیر.
- باسورث، ادmond کلیفورد (۱۳۷۲)، تاریخ غزنویان، به اهتمام حسن انوشه، تهران: امیر کبیر.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۹)، تاریخ بیهقی، به اهتمام خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۴)، تاریخ بیهقی، مصحح علی‌اکبر فیاض، تهران: علم.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، تاریخ اجتماعی ایران، چ ۳، تهران: نگاه.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۳)، «تاریخ بیهقی معتمدترین سند تاریخ غزنویان»، گنجینه اسناد، شماره ۵۴، صص ۸-۴.
- سادات موسوی، فاطمه (۱۳۸۷)، رفتار غیر کلامی در روابط میان فردی، چ ۱، تهران: دانژه.
- سعادت، اسماعیل (۱۳۸۶)، دانش‌نامه زبان و ادب فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سهرابی، علی (۱۳۹۴)، بازآفرینی جنبه‌های نمایشی تاریخ بیهقی، چ ۲، تهران: افراز.
- حیدری، پرستو (۱۳۹۲)، «نگاهی جامعه‌شناختی به تاریخ بیهقی»، تهران، شماره ۶۸، صص ۳۷-۳۳.
- دهقانی، محمد (۱۳۹۵)، حدیث خداوندی و بندگی، چ ۲، تهران: نی.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۵)، سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، چ ۳، تهران: سخن.
- فرهنگی، علی‌اکبر، فرجی، حسین (۱۳۸۸-۱۳۸۹)، «زبان بدن از نگاه مولانا در مثنوی معنوی»، پژوهشنامه فرهنگ و ادب، شماره ۶۹، صص ۴۶۲-۴۲۹.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۷۴)، ارتباطات انسانی، چ ۳، تهران: رسا.
- کولتز و همکاران (۱۹۸۸ م.) محبی‌نیا، راضیه (۱۳۸۸)، تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی با رویکرد شناختی، چ ۱، تهران: البرز.
- یارشاطر، احسان، میلانی، عباس (۱۳۷۲)، «تاریخ در تاریخ بیهقی»، ایران‌شناسی، شماره ۲۰، صص ۷۲۰-۷۰۵.